



۲۰۱۶/۰۹/۲۴

ملالی موسی نظام

زیبا کلام: نژاد پرستی و خود برتر بینی در فرهنگ ایرانی رایج است

مقدمه: با آنچه دولت فاسد آخوندی ایران در حیات پر از رنج مهاجرین بی سرنوشت افغان که در داز بد حادثه در سر زمین آنان به پناه آمده اند، روا میدارد، هرچه بگوئیم و بنویسیم کم است. همین چند روز قبل بود که در پهلوی صد ها نا روایی که بر آن هموطنان مهجور ما از جانب دولت و حتی بعضاً مردم آن دیار وارد میگردد، عده ای از جوانان افغان را با مقداری مواد مخدره و مشروبات الکھولی در قفسی به نمایش گذاشته بودند که روی بشریت، انصاف و اسلامیت را سیاه کردند. این عمل سخیف در شهر شیراز، جایی که حضرت «سعدی علیه الرحمه» بنی آدم را اعضای یکدیگر خوانده و آفرینش آنها را از یک جوهر اعلام نموده، واقع شده است. این



مضمون را که دوست فرهنگی معززی از یکی از مهاجرین مقیم ایران و آشنای خویش، بدست آورده، برای نشر در آریانا افغانستان آن لاین برای اینجانب ارسال داشته است که با ممنونیت از ایشان، خدمت شما تقدیم میگردد. تاریخ نوشته جولای امسال است و البته به اصطلاحات و لغات مستعمله ایرانی تصرفی صورت نگرفته است:

زیبا کلام: نژاد پرستی و خود برتر بینی در فرهنگ ایرانی رایج است

صادق زیبا کلام ، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران ، با ارائه تحلیلی تاریخی و جامعه شناسانه در یک سخنرانی تأکید کرد که "نژادپرستی و خودبرتر بینی در فرهنگ ایرانی رایج است".

سخنان زیبا کلام در نشست «نژادپرستی در فرهنگ ایرانی» که روز جمعه گذشته در مؤسسه «بهاران» ، با حضور پرتعداد مخاطبان ایراد شده است.

به گزارش روزنامه "شرق" ، صادق زیبا کلام در ابتدای این نشست با بیان اینکه «ما ایرانی‌ها نژاد پرست هستیم یا نه» گفت: پاسخ من آری است. من چند ویژگی را دیده ام و به این نتیجه رسیده ام که نژاد پرستیم. اول اینکه ما خود را برتر از دیگران می‌بینیم، ساختاری که نظام رسمی ما پیدا می‌کند و وجهی رسمی که در میان مردم جاری است این را نشان می‌دهد. همچنین تنفر از اقوام و ملیت های دیگر که برجسته ترین آن نژاد پرستی است که از اعراب و افغانه داریم. ویژگی دیگر، جایگاه مهمی است که در تاریخ برای ایران قائل هستیم و نگاه شک برانگیزی که به کشورهای دیگر داریم.

او افزود: "برای مثال نگاه شاه به ایران و جهان نشان می‌داد که خود را بالاتر از دیگران می‌دید و همیشه از «سیاست مستقل ملی» می‌گفت که این سیاست فقط مختص رژیم شاهنشاهی ایران است. این سیاست بعد ها تکامل پیدا کرد و از اواخر دهه ۴۰ اسم آن «ایران به دنبال رسیدن به تمدن بزرگ» شد. ادبیات حکومت هم این بود که ایران دروازه ورود به شرق است. این ادبیات میان سیاست مدارانی، مثل هویدا و رئیس مجلس آن دوران وجود داشت و این یک نگاه نژاد پرستانه بود".

زیباکلام ادامه داد: "شاید این حرف‌ها خنده دار باشد، اما در سال‌های آخر حکومت پهلوی هم چه خود شاه و چه نخست وزیر و چه سرمقاله روزنامه ها این ادعا را داشتند که الگویی را که برای رشد و توسعه ایران به کار برده اند به دیگر کشورها هم بدهیم و حتی برای آنها انجام بدهیم تا آنها هم مثل ایران بزرگ و صنعتی شوند". او با اشاره به اینکه با آنکه خطر نظامی ایران را تهدید نمی‌کرد، اما ایران به سمت نظامی‌شدن رفت گفت: "اعتقاد دارم ناخود آگاه شاه این بود که می‌خواست ایران را بزرگ کند و صحبت از جهانی بودن ایران می‌کرد. فقط اصرار در نظامی گری هم نبود وقتی نطق‌های مسئولان در آن زمان را بخوانید، می‌بینید آن قدر خود را توانمند می‌دانستند که مثلاً به بهانه مبارزه با مارکسیست به ظفار حمله می‌کردند که بگویند ایران را جدی بگیرد. این درحالی بود که اساساً در دهه ۵۰، مردم به دنبال این حرف ها نبودند. حتی در دوران پیروزی انقلاب هم دیدیم که این حرف ها به تمسخر گرفته شد و مردم شعار «دروازه تمدن، با قتل عام مردم» سر می‌دانند".

این استاد دانشگاه افزود: "اینکه به ملت خودمان بگوییم «بزرگ» و... به نظر من همه اینها از نژاد پرستی است. شکل دیگر آن هم این است که وقتی یک پل یا خیابان درست می‌شود گفته می‌شود این پل یا خیابان در خاورمیانه بزرگ ترین است یا در جهان اول است".

صادق زیبا کلام گفت: "حتی رئیس دولت اصلاحات هم در سالی که (گفت و گوی تمدن ها) را اعلام کرد در نطق خود گفت: «بشریت و امدار تمدن ایران اسلامی است»، این را اگر شاه یا صدام و هیتلر بگویند مهم نیست، اما برای من این حرف از ایشان پذیرفتنی نیست و آن را آبشخور همان بزرگ بینی می‌دانم یا «الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت» که هیچ کشور دیگری چنین ادعایی ندارد یا «بومی سازی علم» یا تعداد مقالات مان در جهان یا مباحث به پیشرفت هایمان در هسته ای و تسخیر فضا که همه اینها از همان خود بزرگ بینی است یا ثبت آثار ایران در یونسکو که هفته ای یکی، دو بار انجام می‌شود، اما اگر همین بنا از سوی شهرداری خراب شود و به جای آن برج ساخته شود، هیچ کس ناراحت نمی‌شود".

او افزود: "مشکل اصلی ما نیاز به دیده شدن است. اگر مشاور فرماندار فلان کشور از ما تعریف کند، آن را بزرگ می‌کنیم، این به خاطر ارضای امیال بزرگ ماست. یا آن قدر خودبزرگ‌پندار می‌شویم که احمدی نژاد در سازمان ملل اعلام می‌کند «جهان به بن بست رسیده است و از مدیریت جهانی حرف می‌زند»، یا مثلاً وقتی در مسابقات ورزشی برنده می‌شویم، بلند اعلام می‌کنیم جهان در برابر ما زانو زد".

او با طرح این پرسش که اساساً چرا آن قدر اصرار داریم این ایران و این حس ایرانیان را به رخ بکشیم، گفت: "من این اصرار و پشت پرده آن را از بزرگ‌ترین خود از دیگران می‌دانم که معنای آن نژاد پرستی است". او با اشاره به اینکه «خود برترینی نقطه آغاز نژاد پرستی است» گفت: "در جمع بندی باید بگویم در تمام تاریخ همه نژاد پرست‌ها خود را توجیه کرده‌اند و آن را قبول نکرده‌اند. اگر بخواهیم به خود بزرگ‌بینی به عنوان یک ویژگی خوب و مثبت نگاه کنیم، همه نژاد پرست‌ها تبرئه می‌شوند. این گونه دیگر ترامپ و جریان‌های ضد عرب صهیونیسم و صدام هم نژاد پرست نیستند".

زیبا کلام در پایان گفت "وقتی یک افغان را که ۲۰ سال در ایران زندگی کرده است، به راحتی می‌توان در مرز ایران رها کرد، اما یک ایرانی که به مرز فرانسه می‌رود، شاید در ابتداء لب خود را هم بدوزد ولی بعداً یک شهروند محسوب می‌شود و قانون از او حمایت می‌کند، اما در ایران هیچ کس به فرماندار اصفهان یا مشهد نمی‌گوید چرا افغان‌ها را به کوه یا پارک راه نمی‌دهد".

پایان

